



... و اینک حوزه

اندیشه اصلاح برنامه‌های آموزشی و پژوهشی حوزه، اندیشه‌ای درازآهنگ است، و ضرورت کارآمد ساختن حوزه و روزآمد کردن آموزه‌های آن و «ترمیم» و «بالندگی»^۱ حوزه، آرمانی است بلند و دیرین، که مصلحان همواره بدان تأکید ورزیده‌اند و هوشمندان و دانشوران گرانقدر و نیک‌اندیش بسیاری بدان تئبه داده‌اند.

مصلح بی‌بدیل این روزگار حضرت امام خمینی-رضوان الله علیه- از جایگاه والای پیشوایی بارهای بار این ندا را فراز آورد که اوج این ابلاغ عظیم به خامه آن قله سان راست قامت فقاقت و بیداری و حریت در منشور عظیم و جاودانه روحانیت بود.^۲

خلف صالح آن بزرگوار، حضرت آیت الله خامنه‌ای، نیز از معدود مصلحان و ارجمندانی است که همواره با بیان و بنان و اقدام بر این مهم تأکید ورزیده‌اند؛ اما مهمترین و گویاترین و روشنترین و همه‌سویه‌ترین آن در سفر اخیر آن بزرگوار به حوزه علمیه قم در جمع «ارکان و اصیان بزرگترین حوزه علمیه شیعه» و در پیشدید «فضلا و نخبگان و برجستگان شاغل در حوزه مبارکه»^۳ به بیان آمد.

بیان مقام معظم رهبری روشنتر و گویاتر از آن است که نیازی به تفسیر و توضیح داشته باشد و اگر در این سطور به نکاتی از آن انگشت نهاده می‌شود، برای آن است که سیاسی باشد از کسانی که در این صحیفه گاه بر این آرمان تأکید ورزیده‌اند و پاسخی بر فراخوانی که آن بزرگوار در آن مجمع فاخر ایراد کرده‌اند.

کم نیستند کسانی که ناکارآمدی حوزه و حوزویان را در رسالت سترگ فهم، تبیین و ابلاغ دین فراز می‌آورند، و حتی در اصلاح، ترمیم و بالندگی حوزه چشم به دیگران دوخته‌اند و آنچه را خود دارند از دیگران تمنّا می‌کنند. و کم نیستند افرادی که به انبوه میراث فاخر پیشینیان به چشم خردی می‌نگرند و بر پیشینه درخشان این قبیله مرکب و خون به دیده تحقیر نگاه می‌کنند. جان کلام مقام معظم رهبری بر شوراندن استعدادهای نهفته در این گنجینه عظیم و بزرگداشتن این میراث بزرگ و فراخوانی به اعتزاز این پیشینه درخشان بود:

البته اگر غیر روحانی به این قضیه فکر کند، راه به جایی نخواهد برد؛ همچنان که اگر کار کارستانی بخواهد انجام بگیرد، باید در خود این حوزه انجام بگیرد. کار بزرگ و اساسی و ریشه‌ای و موفق، کاری است که شما در این حوزه بکنید. حالا ممکن است هوادارانی هم، امثال من، در بیرون داشته باشید که اینها هم باید از شما پشتیبانی کنند و کمک کارتان باشند. در عین حال، کار را خود حوزه باید انجام بدهد. لذا ما از اول بحث تا اینجا و از اینجا تا آخر، همواره بر روی ترمیم حوزه و ساختن آن توسط خودش، تکیه می‌کنیم. کس دیگری از بیرون نمی‌تواند این کار را بکند.

*

من از آدمهایی نیستم که هر چیزی که مطرح می‌شود، آن را با بیگانه‌ها مقایسه کنم و به خودیها سرکوفت بزنم، این را بدانید. من معتزّه حقایقی هستم که در جامعه خود ما وجود دارد. من هیچ قائل نیستم که دیگران پیش رفته‌اند؛ اما چیزهایی است که انسان می‌بیند در دنیا چگونه عمل می‌کنند.

فسافله دانش به گونه شگرف و شگفتی پیش می‌تازد و دین به گونه‌ای دلهره‌آفرین آماج حمله‌ها قرار می‌گیرد. دگراندیشان صفحه ذهن و صحنه زندگی را از سؤالها می‌آکنند. بی‌گمان رسالت حوزه، چشمی به این همه داشتن و در فهم، تبیین و ابلاغ گامی فرایش نهادن است. با جاریهای زمان حرکت کردن و خود را در معرض جریانها دیدن و برای رویارویی و درآمیختن با این همه رویین تن شدن، شرط اوگ پذیرش قرار گرفتن در جایگاه والای «ابلاغ» دین است که بار سنگین آن را روحانیت به دوش دارد. پیشینیان ما، چنین بودند و مقام

۱ و ۳. واژه‌ها و جملات داخل گیومه را از سخنرانی بسیار مهم مقام معظم رهبری در تاریخ آذر ماه ۱۳۷۴ گرفته‌ام.

۲. پیام بلند و بیدارگر امام خمینی (ره) که به منشور روحانیت مشهور گشت، به تاریخ ۳ اسفند ۱۳۶۷.

معظم رهبری با نگاهی دقیق این حقیقت را تبیین کرد:

اشکالی که حوزه ما، دیروز آن را نداشت و امروز دارد، این است که حوزه دیروز از دنیای زمان خود عقبتر نبود، بلکه جلوتر هم بود.

شما نگاه کنید در آن روز، علمای ما چقدر محصول علمی و فقهی و کلامی برای مردم زمان خودشان داشتند. همان عده کمی که در گذشته بودند، کارهای بزرگی انجام دادند. اگر در نیشابور یا بلخ یا هرات یا توس... که اقصی نقاط دنیای اسلام نسبت به بغداد آن روز بود... چند نفر شیعه زندگی می کردند و سؤال فقهی یا کلامی داشتند، شیخ مفید آنان را از بغداد هدایت و راهنمایی می کرد؛ یعنی «شیخ مفید» از زمان خودش عقب نبود. یا در زمان شیخ طوسی اگر دشمن مکتب اهل بیت می گفت: «لامصنّف لکم؛ شما کتاب و تصنیف ندارید»، شیخ طوسی خودش به تنهایی وارد میدان می شد و بزرگترین کتاب رجالی را تلخیص می کرد و اختصاصاً یک کتاب و فهرست رجالی دیگر می نوشت. بدون معطلی رجال کشی را تلخیص کرد و کتاب رجال و فهرست خود را هم نگاشت.

هنوز اشکال کسی که می گفت «فقه ندارید» از خانه اش بیرون نرفته بود که ناگهان یک کتاب عظیم پرفرغ بر تحقیق، به حسب سطح تحقیق آن روز، یعنی مبسوط، عرضه می گردید. اگر محمد بن زکریای رازی چهار کلمه الحادی بر زبانش جاری می شد، فوراً سید مرتضای رازی در رد او کتاب می نوشت و نمی گذاشت حرف او بی جواب بماند. اگر فلان نویسنده معاند اهل بیت، کتابی می نوشت و حقایق و اعمال شیعه را مسخره می کرد، بلافاصله عبدالجلیل رازی قزوینی حقیقش را کف دستش می گذاشت و کتاب التفض را می نوشت. بنابراین هر کسی که در زمینه های فقهی و کلامی، بخصوص به شیعه چیزی می گفت، شیعه با قدرت و قوت، به زبان علمی به او جواب می داد و سخن تلخ رقیب و حریف و معاند، راه به جایی نمی برد.

یکی از ابعاد این روزآمدی و با جاریهای زمان حرکت کردن، شیوه های نو را یافتن و متون آموزشی را همگام با عصر ساختن و از بهترین و کارآمدترین شیوه های در فرداهی بهره گرفتن است. کلام ارجمند آن بزرگوار را بیاوریم:

چه دلیلی دارد که فضلا و بزرگان و محققان ما نتوانند بر این شیوه بیفزایند و آن را کامل کنند؟ ای بسا خیلی از مسائل، مسائل دیگر را دربر بگیرد و خیلی از نتایج عوض گردد و خیلی از روشها دگرگون شود. روشها که عوض شد، جوابهای مسائل نیز عوض خواهد شد و فقه، طور دیگری می شود. این از جمله کارهایی است که باید بشود.

محقق امروز، نباید به همان منطقه ای که مثلاً شیخ انصاری-علیه الرحمة- کار کرده است، اکتفا کند و در همان منطقه عمیق، به طرف عمق بیشتر برود؛ این کافی نیست. محقق باید آفاق جدیدی کشف کند. این کار، در گذشته هم شده است؛ مثلاً شیخ انصاری حکومت را در نسبت بین دو دلیل کشف و ابداع کرده است، بعد دیگران آمدند و تعمیق کردند و آن را گستراندند و مورد مذاقه قرار دادند.

گشودن آفاق و گستره های جدید در امر فقهات لازم است. چه دلیلی دارد که بزرگان و فقها و محققان ما نتوانند این کار را بکنند؟ حقیقتاً بعضی از بزرگان این زمان و نزدیک به زمان ما، از لحاظ قوت علمی و دقت نظر، از آن اسلاف کمتر نیستند؛ منتها باید این اراده در حوزه به حرکت درآید. باید این گستاخی و شجاعت پیدا بشود و حوزه آن را بپذیرد. البته این طور نباشد که هر کس هر صدایی را بلند کرد، حوزه آن را قبول کند. در عین حال، نباید حرف جدید در حوزه و در چارچوبهای مورد قبول، مستنکر باشد.

بر سخن اول باز گردیم. گفتیم بیان مقام معظم رهبری گویاتر از آن است که نیاز مند تفسیر و تبیین باشد. از این روی ما بر این پنداریم که پیام حق در روشترین گونه آن فراز آمد و اینک بر حوزه است که بر خیزد و گامی فرابیش نهد.

دیگر دوران سخن گفتن سپری شده است و باید اقدام کرد. مشکل حوزه های علمیه بگونه ای شده است که برای سامان بخشیدن به آن اقدام عاجل باید. تا دیروز سخن گفتن از مشکلات حوزه، عین «عمل» بود و کاری مشکل؛ اما اکنون که حقایق، ضرورتها، کفایتها، کمیوها بدین روشنی و از جایگاهی بس والا تبیین و ابلاغ شده است سخن گفتن، یعنی طفره رفتن و سخن را جانشین عمل کردن. پس باید برخاست و گامی پیش فرا گذاشت که عقربه زمان به عقب بر نمی گردد و «الفرص تمرّ مرّاً لسحاب».

آینه پژوهش در یکی از شماره های آینده تلاشی خرد را در محدوده موضوعاتی که مطرح می کند سامان خواهد داد و امیدوار است بزرگان، فاضلان، نیک اندیشان و هوشمندان حوزه در عینیت بخشیدن به محتوای این پیام ارجمند گامهای بلندی بگیرند و در «حفظ»، «ترمیم» و «بالندگی» حوزه بیش از پیش بکوشند.

والله من وراء القصد
آینه پژوهش

